

## بررسی رابطه عوامل جامعه‌پذیری (خانواده و رسانه‌های جمعی) و میزان گرایش به قانون‌گریزی (مورد مطالعه: شهر یاسوج)

اصغر میرفردی<sup>۱</sup>\* فروغ فرجی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف این مقاله بررسی رابطه عوامل جامعه‌پذیری و میزان گرایش به قانون‌گریزی به روش پیمایش است. جامعه آماری، ساکنان ۱۸-۴۵ ساله شهر یاسوج بودند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق‌ساخته بود و تعیین اعتبار آن از اعتبار سازه به روش تحلیل عاملی و تعیین پایایی از همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ بود. نتایج نشان داد: بین میزان جامعه‌پذیری در خانواده و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. بین استفاده از رسانه‌های جمعی و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد. بین میزان استفاده از تلویزیون، روزنامه و مجله و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. بین میزان استفاده از ماهواره و اینترنت و گرایش به قانون‌گریزی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. بین میزان استفاده از رادیو و کتاب و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود ندارد. مردان و افراد مجرد نسبت به زنان و افراد متأهل گرایش بیشتری به قانون‌گریزی داشته‌اند.

**واژگان کلیدی:** قانون‌گریزی، خانواده، رسانه‌های جمعی، تلویزیون، ماهواره و اینترنت.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال سوم • شماره دوازدهم • پاییز ۹۳ • صص ۶۷-۴۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۴/۱۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۷/۱

۱. دانشیار جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه یاسوج، نویسنده مسئول (mirfardi@gmail.com).  
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج (foroughfaraji@yahoo.com).

## مقدمه

زندگی اجتماعی برای انسان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است و لازمه زندگی اجتماعی نیز نظم، امنیت و عدالت است. یکی از هنجارهای اجتماعی که در تعیین و کنترل رفتار اجتماعی افراد و گروه‌ها نقش مهمی دارد، قوانین هستند. قانون‌گزینی نوعی جهت‌گیری نسبت به هنجارهای قانونی جامعه است که منجر به کجروی یا انحراف از قوانین می‌شود. در بسیاری از کشورهای جهان سوم مشکلات اجتماعی و فرهنگی بی‌شماری در مقابل پذیرش عمومی قانون وجود دارد. ساخت اجتماعی این کشورها به گونه‌ای است که هنوز روابط خویشاوندی، هنجارهای قومی و سنتی و روابط دوستانه غیررسمی حاکمیت خود را بر رفتارهای افراد از دست نداده‌اند. این هنجارها و روابط سنتی در کنار قوانین و مقررات رسمی به حیات خود ادامه داده و کارکرد خود را دارند، به طوری که در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، انتخاب افراد برای مناصب گوناگون، اعطای پاداش و یا اعمال مجازات برای افراد نقش بازی می‌کنند (فخرائی، ۱۳۷۸: ۱۱۲).

«اغلب نظرسنجی‌ها و تحقیقاتی که به سنجش میزان قانون‌گرایی در بین ایرانیان پرداخته‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که در ایران تمایل زیادی به رعایت قانون در جامعه دیده نمی‌شود» (رضایی، ۱۳۸۴: ۴۷). بالا رفتن جرائم در هر جامعه‌ای نشانگر افزایش میزان قانون‌گریزی و کاستن از میزان قانون‌گرایی است. طبق گزارش فرماندهی انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد، آمار جرائم در شهر یاسوج نشان می‌دهد که جرائم در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۱۳۸۷، ۲۱/۹ درصد و در سال ۱۳۸۹ نسبت به سال ۱۳۷۷، ۵۱/۷ درصد افزایش داشته است. سیر تحولات آمار جرائم در این شهر، نشانگر سیر صعودی آن و میزان قانون‌گریزی بالا است. استان کهگیلویه و بویراحمد و مرکز آن - شهر یاسوج - از مناطق در حال گذار از بافت سنتی به شرایط مدرن است و در این راستا، هنوز تعلقات و پیوندهای سنتی نقش تعیین‌کننده‌ای در مناسبات و روابط اجتماعی دارند. رفتارهای جانبدارانه و

تعصبات عشیره‌ای و خویشاوندی توسط برخی از افراد و گروه‌ها در این شهر، در بسیاری از موارد به‌ویژه در اختلافات طایفه‌ای و عشیره‌ای نسبت به معیارهای قانونی برتری داده می‌شود. بالا بودن نزاع‌های جمعی، در استان کهگیلویه و بویراحمد - به‌ویژه شهر یاسوج - نمود و پیامد تعصبات سنتی است که به خاطر این تعصبات افرادی که اختلاف دارند، تمکین به قانون، به‌عنوان میانجی اساسی در دوران کنونی را برنتابیده و مسیرهای خارج از رفتارهای قانونی را برای حل و فصل اختلافات خود برمی‌گزینند و در این راه به واسطه تعصبات سنتی و خویشاوندی، اختلافی محدود و بین دو فرد را تبدیل به نزاعی جمعی و گسترده می‌سازند. بالا بودن میزان تخلفات ترافیکی (میرفردی و همکاران، ۱۳۹۲) و حتی درگیری با مأمورین انتظامی - به‌عنوان ضابطان اصلی قانون و دستگاه قضایی - هنگام اجرای مأموریت و اعمال قانون (میرفردی، ۱۳۹۰) نمونه دیگری از قانون‌گریزی در شهر یاسوج و استان کهگیلویه و بویراحمد است. خانواده و رسانه‌های جمعی از جمله عوامل جامعه‌پذیری هستند که در انتقال هنجارها و ارزش‌های مورد قبول یک جامعه به افراد نقش بسزایی دارند. در این تحقیق سعی شده به بررسی ارتباط میزان جامعه‌پذیری از طریق خانواده و رسانه‌های جمعی با گرایش به قانون‌گریزی پرداخته شود. این مقاله به این مسئله پرداخته است که عوامل جامعه‌پذیری (خانواده و رسانه‌های جمعی) تا چه اندازه با میزان گرایش شهروندان ۴۵-۱۸ ساله شهر یاسوج به قانون‌گریزی ارتباط معناداری دارند. انجام این تحقیق، با توجه به شرایط نیمه‌سنتی بودن جامعه مورد بررسی، از یک سو و نبود پژوهش علمی در زمینه میزان قانون‌مداری و یا قانون‌گریزی در جامعه مورد مطالعه از سوی دیگر، اهمیت و ضرورت دارد.

## ۱. پیشینه پژوهش

- تحقیقی با عنوان «نقش خانواده، مدرسه، همسالان و رسانه‌های گروهی در رفتارهای انحرافی نوجوانان پسر شهر مشهد» توسط رجایی (۱۳۸۱) انجام گرفته است. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد: همبستگی متغیر دل‌بستگی نوجوانان به والدین (خانواده) با رفتارهای انحرافی آنان ۰/۲۶- است و این رابطه منفی بوده است. همچنین از بین متغیرهای رسانه‌های گروهی، میزان قرار داشتن در معرض رسانه‌ها، با همبستگی ۰/۲۹ درصد، بیشترین همبستگی را با رفتارهای انحرافی نوجوانان داشته و این رابطه مثبت بوده است.

- پژوهشی با عنوان «رابطه بین استفاده از رسانه‌های صوتی - تصویری و بزهکاری

نوجوانان» توسط حبیب‌زاده و قاسمی (۱۳۸۸) انجام شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد: استفاده بیش از ۵ ساعت از تلویزیون، در گروه نوجوانان غیربزهکار، ۲۱/۵ درصد و در گروه نوجوانان بزهکار، ۳۳ درصد است، همچنین استفاده از اینترنت در گروه نوجوانان غیربزهکار ۳۹/۶ درصد و در گروه نوجوانان بزهکار ۶۷/۶ درصد است.

- تحقیقی با عنوان «بررسی نقش دوگانه رسانه‌های جمعی در پیشگیری و وقوع جرائم» توسط حبیب‌زاده و همکارانش (۱۳۸۸) انجام گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد: رسانه‌های جمعی از یک طرف توانایی تشدید احساس ناامنی، ترویج بزهکاری و تشویق افراد مستعد به ارتکاب جرم را دارند و از سوی دیگر با ایفای نقش اطلاع‌رسانی و ترویج الگوهای زندگی سالم، می‌تواند در کاهش وقوع جرم و افزایش احساس امنیت مؤثر باشند.

- تحقیقی با عنوان «رسانه و آموزش جرم (مطالعه موردی صفحه حوادث روزنامه جام‌جم سال ۱۳۸۸)» توسط شایگان (۱۳۸۹) انجام گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد: محتوای حوادث ذکر شده این روزنامه به میزان کمی به آموزش جرم پرداخته، اما میزان ترسانندگی و بازدارندگی حوادث هم کم است (۲۱ درصد حوادث ذکر شده بازدارنده هستند). ۱۲ درصد مجرمین مطرح شده در صفحات حوادث روزنامه جام‌جم سال ۱۳۸۸، زن و ۷۸/۵ درصد مرد و ۵/۷ درصد حوادث زن و مرد به‌صورت مشترک دخیل بوده‌اند.

- تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به وندالیسم (خرابکاری) در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر یاسوج» توسط میرفردی و همکاران (۱۳۹۰) انجام گرفته است. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد: گرایش به وندالیسم با متغیرهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی، سن و جامعه‌پذیری رابطه معناداری دارد. در این بررسی، ارتباط گرایش به وندالیسم دانش‌آموزان با عوامل جامعه‌پذیری نظیر خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه‌های جمعی مورد سنجش قرار گرفت که رابطه سه عامل خانواده، مدرسه و گروه همسالان در جامعه‌پذیر کردن دانش‌آموزان به تأیید رسید، ولی رابطه بین استفاده از رسانه‌های جمعی و گرایش به وندالیسم در بین دانش‌آموزان مورد مطالعه معنادار نبوده است.

- بررسی رفتار و حالات بزهکاران در برابر تلویزیون، توسط هالوران<sup>۱</sup> (۱۹۷۰) روان‌شناس انگلیسی، در مرکز تحقیقات دانشگاه لیستر<sup>۲</sup> انجام شده است. نتایج به دست آمده عبارتند از: ۱. اثر تلویزیون بر زندگی افراد غیربزهکار به مراتب بیشتر از بزهکاران است، ۲. بزهکاران بیشتر به برنامه‌های محرک و پرخشونت گرایش دارند و کمتر به اخبار و برنامه‌های آموزشی و پرورشی علاقه نشان می‌دهند، ۳. مقایسه بین والدین بزهکاران با والدین غیربزهکار اثبات کرده است در طبقات اجتماعی و اقتصادی پایین اجتماع، رابطه منفی معناداری بین فقدان یا کمبود فرهنگ با آموزش فرزندان وجود دارد. مرور مطالعات انجام شده در زمینه شرایط جامعه‌پذیری و قانون‌گریزی، نشان داد که اغلب این مطالعات در مورد نوجوانان انجام شده است، به گونه‌ای که بخش قابل توجهی از این مطالعات ارتباط رسانه‌ها و دیگر عوامل جامعه‌پذیری را با بزهکاری نوجوانان مورد مطالعه قرار داده‌اند و به ندرت مطالعه‌ای در مورد شرایط جامعه‌پذیری و قانون‌گریزی افراد ۱۸ سال به بالا انجام شده است. از سوی دیگر، تنها مطالعه‌ای که در مورد جامعه مورد مطالعه - شهر یاسوج - انجام شده است (میرفردی و همکاران، ۱۳۹۰) نیز پیرامون نندالیسم دانش‌آموزان بوده است. با توجه به این خلأ پژوهشی، این مقاله بر آن بوده است تا شرایط جامعه‌پذیری را در ارتباط با میزان گرایش به قانون‌گریزی مورد مطالعه قرار دهد.

## ۲. مبانی نظری

قانون‌گریزی مترادف با نظم‌گریزی است. در شرایط نظم‌گریزی عملاً انواع آسیب‌ها حیات اجتماعی را تهدید می‌کند که عوامل چندگانه و عمده‌ای در آن دخیلند (کلانتری، ۱۳۸۴: ۶۶). بر این اساس چون قانون‌گریزی نوعی انحراف اجتماعی به شمار می‌آید، نظریه‌های انحرافات اجتماعی در ادامه آورده می‌شود.

### ۲-۱. رویکرد جامعه‌پذیری<sup>۲</sup>

جامعه‌پذیری نوعی فرایند کنش متقابل اجتماعی است که در خلال آن، فرد هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون

---

1. Halloran  
2. Leister  
3. Socialization

خود را فراگرفته، درونی کرده و آن را با شخصیت خود یگانه می‌سازد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۱۴۴). رویکرد جامعه‌پذیری بر پیوند اجتماعی تأکید دارد. خانواده و جامعه دو عامل مهم در ایجاد این پیوند است. در این رویکرد، جایگاه خانواده، آموزش و پرورش، رسانه‌ها و مقوله نظارت اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. کودک در فرایند اجتماعی شدن، علاوه بر کسب مهارت‌ها و توانایی‌ها - که در حیطه وظایف بخش آموزش قرار دارد - موضوع پرورش واقع می‌شود. بنا به تعریف، «پرورش عبارت است از: جریانی منظم و مستمر که هدف آن، کمک به رشد جسمانی، شناختی، روانی، اخلاقی، اجتماعی یا به‌طور کلی رشد شخصیت پرورش‌یابندگان در جهت کسب هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادها آنهاست». بخشی از این وظیفه پرورشی را سازمان‌های رسمی از جمله محیط‌های آموزشگاهی به عهده دارند و بخشی دیگر به عهده والدین، رسانه‌های گروهی و سایر عوامل پیچیده‌ی اجتماعی است (کاظمی، ۱۳۷۵: ۱۰۵). فرایند جامعه‌پذیری که حاصل ارتباط است، عوامل مختلفی دارد که عبارتند از: پدر و مادر، سایر اعضای خانواده، دوستان، همکاران، مدرسه، کلیسا و رسانه‌های جمعی. این عوامل ارزش‌ها و باورها و قراردادهای جامعه را از طریق ارتباط به فرد عرضه می‌کنند و با جامعه‌پذیر کردن فرد، او را به مشارکت فعال اجتماع تبدیل می‌کنند (بریجیت و گیل، ۱۳۸۴: ۹۷). در مورد ماهیت این فرایند نیز، اختلافاتی وجود دارد. برخی آن را نوعی فرایند یادگیری می‌دانند که از طریق آن افراد می‌آموزند که در شرایط معین چگونه باید رفتار کنند و هر نقشی یا منزلت اجتماعی چه توقعات و انتظاراتی با خود می‌آورد. گروهی هم جامعه‌پذیری را آموزشی می‌دانند که در ضمن آن، هنجارها و ارزش‌های جا افتاده از طریق دادن پاداش و کیفر برای انواع گوناگون رفتارها، آموزش داده می‌شوند (مک کوایل، ۱۳۸۵: ۳۹۴).

## ۲-۲. نظریه ساختاری - کارکردی پارسونز<sup>۱</sup>

از نظر پارسونز، جامعه دارای چهار خرده‌نظام اقتصاد، شکل حکومت، اجتماع جامعه‌ای و جامعه‌پذیری است. هر یک از این خرده‌نظام‌ها برای جامعه کارکرد دارد. کارکرد خرده‌نظام اقتصاد، انطباق با محیط، کارکرد شکل حکومت، دستیابی به اهداف و کارکرد

1. Parsons

اجتماع جامعه‌ای ایجاد انسجام و یکپارچگی در جامعه است. کارکرد حفظ و نگهداری الگوهای فرهنگی توسط خرده نظام جامعه‌پذیری صورت می‌گیرد.

مجموعه فرایندهایی که به کمک آنها اجتماعی شدن افراد تحقق می‌یابد، در حکم کارکرد حفظ الگو در جامعه است. فرایند اجتماعی شدن از طریق نقش‌پذیری و کنش متقابل با دیگران صورت می‌گیرد. از این طریق فرهنگ به عاملان انتقال می‌یابد و توسط آنها درونی شده، عاملی مهم در انگیزش رفتار اجتماعی آنان به حساب می‌آید. هنجارها و ارزش‌های اجتماعی از طریق فرایند اجتماعی شدن، ملکه ذهن شده، به صورت بخشی از وجود کنشگران درمی‌آیند؛ به طوری که آنها ضمن پی گرفتن منافعشان به مصالح کلی نظام اجتماعی خدمت می‌کنند. این کارکرد به طور عمده در خانواده و در نظام آموزشی متمرکز است؛ هر چند رسانه‌های گروهی، سندیکاها و احزاب سیاسی نیز «کارکرد» و نقش آموزشی دارند (توسلی، ۱۳۸۶: ۲۴۴). از دید پارسونز در صورتی که نهادها و سازمان‌های جامعه‌پذیرکننده (خانواده، مدرسه، وسایل ارتباط جمعی و غیره) ناتوان باشند و کارایی لازم را از دست بدهند، حیات جامعه و اجزای آن و به طور کلی تعادل نظام اجتماعی کل تهدید می‌شود و زمینه برای ظهور رفتار بزهکارانه فراهم می‌شود (احمدی، ۱۳۷۷: ۵۵). اگر عوامل جامعه‌پذیری بتوانند ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را به درستی به افراد منتقل کنند و بین اهداف و برنامه‌ریزی آنها هماهنگی لازم وجود داشته باشد، نظم اجتماعی و انسجام جامعه حفظ خواهد شد.

### ۳-۲. دیدگاه یادگیری اجتماعی

کانون توجه نظریه‌های یادگیری، شیوه‌های فراگیری کجروی است و این مضمون در قالب‌های متفاوتی از جمله «جامعه‌پذیر شدن فرد در خرده فرهنگ‌های ناهمنوا» مورد بحث قرار گرفته است. محتوای نظریه‌های یادگیری صرفاً به این قالب منحصر نمی‌شود و برخی تبیین‌ها، کجروی را محصول آموخته‌هایی می‌دانند که افراد در خلال فرایندهای یکسان یادگیری، در بستر کلی جامعه و به شکلی مشابه با آموزش‌های هم‌نویانه فرامی‌گیرند، اما الگوهای متمایز با الگوهای غالب و مسلط در جامعه دارند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۳۹۸-۳۹۷).

بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار انحرافی آموختنی است و در فرایند رابطه با

افراد دیگر، به خصوص در گروه‌های کوچک آموخته می‌شود. اندیشمندانی چون باندورا<sup>۱</sup>، ساترلند<sup>۲</sup> و تارد<sup>۳</sup> نظریه یادگیری اجتماعی را توسعه دادند. شخص می‌تواند با کمک فرایند الگوسازی و با مشاهده دیگران چه به صورت تصادفی و چه آگاهانه یاد بگیرد. انتخاب الگوهای یادگیری به وسیله شخص، تحت تأثیر عوامل مختلفی چون سن، جنس و موقعیت اجتماعی است و الگوهای برگزیده شده توسط فرد می‌تواند مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای رسمی جامعه باشد و همچنین فرد ممکن است الگوهای رفتار انحرافی را برگزیند. فرایند مدل‌سازی در کانون توجه نظریه یادگیری اجتماعی قرار دارد که در آن شخص، رفتار اجتماعی دیگران را به وسیله مشاهده و تقلید یاد می‌گیرد و آموختنی‌ها از طریق پاداش و تنبیه تقویت می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴: ۹۴).

### ۳. چارچوب نظری پژوهش

در این بررسی، ترکیبی از نظریات ارائه شده که تجانس موضوعی و تحلیلی دارند، برای تبیین فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است.

بر اساس دیدگاه جامعه‌پذیری، افراد را می‌توان توسط عوامل مختلف جامعه‌پذیری از جمله خانواده، مدرسه، دوستان و رسانه‌های جمعی با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هم‌نوا کرد و آنها را تحت نظارت قرار داد. بنابراین، اگر فرایند جامعه‌پذیری به شیوه‌ای درست انجام گیرد، افراد جامعه دلبستگی و علاقه فراوانی به رعایت قوانین داشته و سعی می‌کنند به تخطی از آنها نپردازند. در دیدگاه ساختی - کارکردی، از نظر پارسونز در صورتی که نهادها و سازمان‌های جامعه‌پذیرکننده (خانواده، مدرسه، وسایل ارتباط جمعی و غیره) در انتقال ارزش‌ها و هنجارهای جامعه ناتوان باشند و کارایی لازم را از دست بدهند یا بین اهداف آنها هماهنگی لازم وجود نداشته باشد، نظم اجتماعی تهدید شده و زمینه برای ظهور رفتار بزهکارانه و قانون‌گریزی فراهم می‌شود. بنابراین، این نظریات (دیدگاه جامعه‌پذیری و دیدگاه ساختی - کارکردی پارسونز) می‌توانند ارتباط متغیر جامعه‌پذیری (خانواده و رسانه‌های جمعی) را بر گرایش به قانون‌گریزی تبیین کنند.

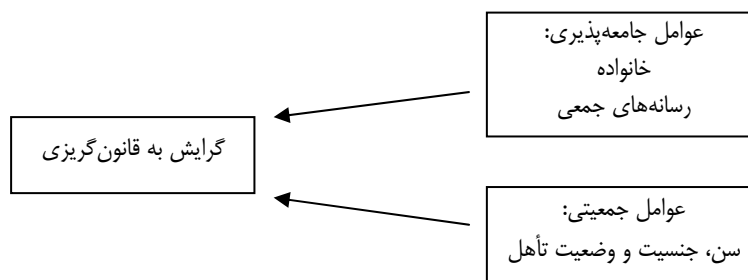
طبق دیدگاه یادگیری، رفتار انحرافی آموختنی است و فرد می‌تواند رفتار انحرافی را

- 
1. Bandura
  2. Sutherland
  3. Tarde



مانند سایر رفتارهای مقبول اجتماعی با کمک فرایند الگوسازی و مشاهده دیگران یاد بگیرد. طبق این دیدگاه، انتخاب الگوهای یادگیری فرد، تحت تأثیر عوامل مختلفی چون سن، جنس و موقعیت اجتماعی است. این نظریه می‌تواند بیشتر فرضیه‌های این پژوهش را که در ارتباط با زمینه‌های جامعه‌پذیری هستند، پشتیبانی کند. از جمله رابطه متغیرهای جامعه‌پذیری در خانواده و جامعه‌پذیری از طریق رسانه‌های جمعی با گرایش به قانون‌گریزی، توسط دیدگاه یادگیری قابل تبیین هستند. به‌عنوان نمونه، تفاوت در شرایط جامعه‌پذیری زنان و مردان و همچنین تفاوت در شرایط یادگیری گروه‌های سنی مختلف، که موجب تفاوت در کمیت و کیفیت آموزه‌های اقتباسی آنها از جامعه و یادگیری آن آموزه‌ها است، می‌تواند در میزان گرایش آنها به قانون‌گریزی تأثیرگذار باشد که در این پژوهش به آنها پرداخته شده است.

نظر به اینکه جامعه مورد مطالعه در شرایط نیمه‌سنتی و در حال گذار از بافت سنتی و عشیره‌ای قرار دارد که از یک سو، تعلقات خانوادگی هنوز کارکردهای اجتماعی سنتی خود را دارند و از سوی دیگر، عوامل و مؤلفه‌های مدرنی چون رسانه‌های جمعی نیز رو به گسترش هستند؛ ارزیابی ارتباط این دو دسته از عوامل، که هر دو به جامعه‌پذیری افراد می‌پردازند، با گرایش به قانون‌گریزی می‌تواند تا حدودی به درک زمینه‌های مرتبط با قانون‌گریزی در این جامعه یاری رساند. اگرچه هر دو دسته عوامل، از عوامل جامعه‌پذیری هستند، بررسی تطبیقی میزان ارتباط آنها با میزان گرایش به قانون‌گریزی می‌تواند سیمای نقش‌آفرینی این دو دسته عوامل جامعه‌پذیری در وضعیت قانون‌گرایی و یا قانون‌گریزی یک منطقه نیمه‌سنتی همچون یاسوج را نشان دهد. با توجه به چارچوب نظری، مدل زیر برای این پژوهش معرفی می‌شود:



نمودار ۱. مدل پژوهش

فرضیه‌های مورد بررسی در این پژوهش عبارتند از:

- بین میزان جامعه‌پذیری در خانواده و میزان گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان جامعه‌پذیری از طریق رسانه و میزان گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین سن و میزان گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد.
- زنان و مردان میزان متفاوتی از گرایش به قانون‌گریزی دارند.
- افراد مجرد و متأهل میزان متفاوتی از گرایش به قانون‌گریزی دارند.

#### ۴. روش پژوهش

در این پژوهش، روش پیمایشی مورد استفاده قرار گرفته است. جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه پژوهش، محقق ساخته است. جامعه آماری پژوهش شهروندان ۱۸ تا ۴۵ سال ساکن شهر یاسوج هستند. شیوه نمونه‌گیری برای دسترسی به نمونه‌های مورد مطالعه، نمونه‌گیری تصادفی از نوع طبقه‌ای - چندمرحله‌ای است. با استفاده از جدول حجم برآورد نمونه‌لین<sup>۱</sup>، برای جامعه آماری این پژوهش که بر اساس سرشماری ۱۳۸۵ برابر با ۵۳۵۲۴ نفر بوده است، با سطح خطای ۵ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد، حجم نمونه ۳۸۱ نفر محاسبه شد که جهت اطمینان بیشتر نتایج پژوهش، حجم نمونه به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. از آنجایی که وضعیت اقتصادی - اجتماعی مناطق مختلف شهر یاسوج تاکنون مشخص نشده و به نظر می‌رسد: با توجه به جدید بودن این شهر، تفاوت زیادی از این نظر در بین مناطق آن وجود نداشته باشد، برای دسترسی به نمونه‌های مورد مطالعه، از شیوه نمونه‌گیری تصادفی از نوع طبقه‌ای - چندمرحله‌ای استفاده شد. پس از تعیین حجم نمونه، ابتدا با استفاده از نقشه راهنمای شهر یاسوج، مناطق سه‌گانه شهر (بالا، متوسط و پایین) از نظر پایگاه اقتصادی - اجتماعی ساکنان، تعیین و تعداد محله‌های هر منطقه مشخص شد. سپس به تناسب سهم جمعیت در هر منطقه، تعداد نمونه در هر کدام تعیین شد. در مرحله بعد، از هر محله چند بلوک به صورت تصادفی انتخاب و سپس از هر بلوک، برای انتخاب خانوارها، شماره مبدأ (از بین اعداد ۱ تا ۷) در نظر گرفته

---

1. Lin

بررسی رابطه عوامل جامعه‌پذیری (خانواده و رسانه‌های جمعی) و میزان گرایش به قانون‌گریزی ۵۱

شد و با استفاده از فاصله نمونه‌ها که در این پژوهش ۷ بوده است، به تعیین نمونه‌های بعدی پرداخته شد، آنگاه پرسشنامه از طریق مصاحبه با یکی از افراد ۱۸ تا ۴۵ سال هر خانوار، تکمیل شد.

جهت تعیین اعتبار سازه (گرایش به قانون‌گریزی) از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد. مقدار KMO این سازه برابر با ۰/۸۹ بوده که این مقدار پذیرفته شده و مقدار بارتلت آن ۱/۵۵۸ بوده است. برای سنجش هماهنگی درونی ابزار سنجش (پایایی) نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد. آلفای کرونباخ به دست آمده برای سازه گرایش به قانون‌گریزی برابر با ۰/۸۶ بوده که با توجه به اینکه این مقدار از ۰/۷ بیشتر است، سؤالات این متغیر از هماهنگی و انسجام لازم برخوردار بوده است. ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای دارای طیف لیکرت در جدول شماره ۱، ذکر شده است. نتایج تحلیل عاملی برای ارزیابی روایی متغیر وابسته نیز در جدول شماره ۲ بیان شده است. لازم به یادآوری است که داده‌های پرسشنامه با نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جدول ۱. ضریب آلفای کرونباخ متغیرها

متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
گرایش به قانون‌گریزی	۰/۸۶
جامعه‌پذیری در خانواده	۰/۷۸

جدول ۲. نتایج تحلیل عاملی متغیر گرایش به قانون‌گریزی

بارتلت	KMO	واریانس تیین شده	وزن عاملی		سازه گرایش به قانون‌گریزی
			شناختی	رفتاری	
۱/۵۵۸	۰/۸۹	۴۰/۴۸		۰/۷۹۵	در برخی شرایط می‌توان قوانین رانندگی (عبور از چراغ قرمز، سرعت بالا، سبقت غیر مجاز و داشتن گواهینامه و...) را نادیده گرفت.
				۰/۶۷۹	می‌توان دفترچه بیمه درمانی خود را در اختیار دیگران قرار داد تا از آن استفاده کنند.
				۰/۷۵۷	اگر موقعیتش پیش بیاید، در صف نان، بنزین و یا خرید اجناس از دیگران جلو می‌زنم.
				۰/۵۵۱	اقدام به خرید یا استفاده از کالاهای غیرمجاز (ماهواره و فیلم‌های خارجی بدون مجوز پخش) اشکالی ندارد.
				۰/۵۱۳	برای رفع یک کار اداری، می‌توان مشکل خود را با پول یا پارتی حل کرد.
				۰/۴۸۶	اگر فیش آب و برق و تلفن خود را دیرتر از مهلت مقرر پرداخت کنیم، هیچ اشکالی ندارد.
		۰/۵۳۴	رعایت قانون، وظیفه من است.		
		۰/۴۴۱	با رعایت قانون، هر کس به حق خود می‌رسد.		
		۰/۸۱۱	معتقدم اگر بخواهی قانون را رعایت کنی، از بقیه عقب می‌مانی.		
		۰/۶۳۵	اگر آدم زرنگ باشد، به راحتی می‌تواند قوانین را نادیده بگیرد.		
		۰/۷۹۱	معتقدم اگر قانون را رعایت نکنی، می‌توانی با پرداخت رشوه مجازات نشوی.		
		۰/۷۷۵	کسانی که قانون را رعایت نمی‌کنند، در زندگی موفق‌ترند.		

### ۵. تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم

- آسیب‌های اجتماعی: منظور از آسیب‌های اجتماعی، میزان نقض هنجارهای اجتماعی جامعه است. در واقع آسیب‌شناسی اجتماعی، مطالعه خاستگاه اختلال‌ها، بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی (مثل اعتیاد، درگیری‌های دسته‌جمعی، تشکیل باندهای خطرناک، انحراف‌های جنسی، طلاق، سرقت، خودکشی، قتل، تکدی، وندالیسم و لمپنیسم) است (ستوده، ۱۳۷۸: ۸۵).

- قانون: در فرهنگ معین، قانون چنین تعریف شده است: قاعده‌ای است که مقامات صلاحیت‌دار (قوه مقننه) وضع و ابلاغ کنند و مبنی بر طبیعت عالم تمدن و متناسب با مصلحت مردم است و همه افراد مملکت باید از آن تبعیت کنند (معین، ۱۳۶۳: ۲۷-۲۶).

- قانون‌گریزی: قانون‌گریزی طیفی از رفتار است که از قانون‌گریزی دائمی، خشن و شدید (مثل سرقت، قتل و...) تا قانون‌گریزی گهگاهی، غیرخشن و ضعیف (مثل ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز و...) را در برمی‌گیرد. به قانون‌گریزی نوع اول، قانون‌گریزی سخت و به قانون‌گریزی نوع دوم، قانون‌گریزی نرم می‌گویند (علی بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸: ۷). در این پژوهش، متغیر گرایش به قانون‌گریزی به‌طور جداگانه در دو بعد رفتاری و شناختی، در مقیاس ترتیبی سنجیده شده است. برای سنجش بعد رفتاری، از ۷ گویه ۵ گزینه‌ای استفاده شد. به گزینه کاملاً موافقم (نمره ۵)، موافقم (نمره ۴)، بی‌نظر (نمره ۳)، مخالفم (نمره ۲) و کاملاً مخالفم (نمره ۱) اختصاص داده شد. برای سنجش بعد شناختی، از ۵ گویه ۵ گزینه‌ای استفاده شد. به گزینه کاملاً موافقم (نمره ۵)، موافقم (نمره ۴)، بی‌نظر (نمره ۳)، مخالفم (نمره ۲) و کاملاً مخالفم (نمره ۱) اختصاص داده شد. مجموع این ابعاد تحت عنوان گرایش به قانون‌گریزی در طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفت.

- اجتماعی شدن: اجتماعی شدن فرایندی است روانی - اجتماعی که بر پایه آن، شخصیت اساسی تحت تأثیر محیط و به ویژه نهادهای تربیتی، دینی و خانوادگی، تشکیل می‌یابد (بیرو، ۱۳۸۰: ۳۶۳).

- جامعه‌پذیری در خانواده: اصطلاح خانواده را می‌توان در معنای مجموع اسلاف، اخلاف و خویشاوندان جانبی و والدین مربوط به یک دودمان و یا جمع زوجین و فرزندان آنان که اولین سلول و یا واحد حیات طبیعی - اجتماعی را تشکیل می‌دهند، به کار برد (همان: ۱۳۰). در این پژوهش، جهت سنجش این متغیر، از ۴ گویه در مقیاس ترتیبی استفاده شد.

- رسانه جمعی: رسانه‌های جمعی به تمام ابزارهای غیرشخصی ارتباط گفته می‌شود که به وسیله آن، پیام‌های دیداری و شنیداری به‌طور مستقیم به مخاطبان انتقال می‌یابند، تلویزیون، رادیو، سینما، اینترنت، ماهواره و مجله‌ها، کتب و... در زمره رسانه‌های جمعی محسوب می‌شوند (Jewkes, 2004: 4). جهت سنجش این متغیر، از ۶ گویه در مقیاس ترتیبی استفاده شد.

## ۶. یافته‌های پژوهش

### ۶-۱. یافته‌های توصیفی

آمار توصیفی، مجموعه روش‌هایی است که برای سازماندهی، تلخیص، تهیه جداول و چگونگی توصیف داده‌های گردآوری شد. از جامعه آماری به کار برده می‌شود. در این بخش به ویژگی متغیرهای مربوط به نمونه آماری پژوهش توجه می‌شود و با استفاده از جداول دو بعدی به توصیف متغیرها پرداخته می‌شود.

در این پژوهش ۶۷/۸ درصد از پاسخگویان مرد و ۳۲/۳ درصد از آنها زن هستند. همچنین ۷۰/۸ درصد از پاسخگویان مجرد و ۲۹/۳ درصد از آنها متأهل هستند. محدوده سنی پاسخگویان ۱۸-۴۵ سال است و میانگین سنی بالغ بر ۲۶ سال است.

مطابق با جدول شماره ۳، ۵۰/۱ درصد از پاسخگویان گرایش پایینی به قانون‌گریزی داشتند، در حالی که ۳۷/۶ درصد گرایش متوسط و ۱۲/۳ درصد پاسخگویان گرایش بالایی به قانون‌گریزی داشتند. میانگین گرایش به قانون‌گریزی ۲۷/۲۵ بوده است که از میانگین واقعی (۳۶) کمتر است.

جدول ۳. توزیع پاسخگویان بر حسب میزان گرایش به قانون‌گریزی

میزان گرایش به قانون‌گریزی	تعداد	درصد معتبر	میانگین به دست آمده	میانگین واقعی
پایین	۲۰۰	۵۰/۱	۲۷/۲۵	۳۶
متوسط	۱۵۰	۳۷/۶		
بالا	۵۰	۱۲/۳		
تعداد کل	۴۰۰			

مطابق جدول ۴، ۴/۵ درصد از پاسخگویان جامعه‌پذیری پایینی داشتند، ۴۴ درصد جامعه‌پذیری متوسط و ۴۱/۵ درصد از آنها جامعه‌پذیری بالایی داشتند. میانگین متغیر جامعه‌پذیری در خانواده ۱۵/۳۵ است که از میانگین واقعی (۱۲) بیشتر است.

بررسی رابطه عوامل جامعه‌پذیری (خانواده و رسانه‌های جمعی) و میزان گرایش به قانون‌گریزی ۵۵

جدول ۴. توزیع پاسخگویان بر حسب میزان جامعه‌پذیری در خانواده

میانگین واقعی	میانگین به‌دست‌آمده	درصد معتبر	تعداد	میزان جامعه‌پذیری در خانواده
۱۲	۱۵/۳۵	۴/۵	۱۸	پایین
		۴۴	۱۷۵	متوسط
		۴۱/۵	۲۰۷	بالا
		۴۰۰		تعداد کل

مطابق جدول شماره ۵، ۶۷/۲ درصد از پاسخگویان در طول روز، بین صفر تا ۳ ساعت به تماشای تلویزیون (شبکه‌های داخلی و رسمی ایران) اختصاص می‌دادند. این درحالی است که حدود ۲۵/۲ درصد پاسخگویان بین ۴ تا ۶ ساعت و ۷/۵ درصد از آنها بیش از ۶ ساعت به تماشای تلویزیون می‌پردازند.

۸۸/۲ درصد پاسخگویان بین صفر تا ۳ ساعت در طول روز به تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای می‌پردازند. حدود ۶/۵ درصد پاسخگویان بین ۴ تا ۶ ساعت در روز و حدود ۵/۲ درصد از آنها بیش از ۶ ساعت در روز به تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای می‌پردازند. ۹۷ درصد پاسخگویان در طول روز بین صفر تا ۳ ساعت از رادیو استفاده می‌کنند. حدود ۲/۸ درصد پاسخگویان بین ۴ تا ۶ ساعت و فقط حدود ۰/۲ درصد از آنها بیش از ۶ ساعت از وقتشان را به گوش دادن رادیو اختصاص داده‌اند.

۸۵ درصد پاسخگویان در طول روز، بین صفر تا ۳ ساعت از اینترنت استفاده می‌کنند. این درحالی است که حدود ۹/۵ درصد پاسخگویان بین ۴ تا ۶ ساعت و حدود ۵/۵ درصد بیش از ۶ ساعت در روز از اینترنت استفاده می‌کنند.

۹۷ درصد پاسخگویان در طول روز، بین صفر تا ۳ ساعت روزنامه و مجله می‌خوانند. ۲ درصد پاسخگویان بین ۴ تا ۶ ساعت و فقط ۱ درصد پاسخگویان بیش از ۶ ساعت از وقتشان را در روز به خواندن روزنامه و مجله اختصاص می‌دهند.

۸۵/۵ درصد پاسخگویان در طول روز، بین صفر تا ۳ ساعت کتاب می‌خوانند. این درحالی است که ۱۱ درصد پاسخگویان بین ۴ تا ۶ ساعت و فقط ۳/۵ درصد از آنها بیش از ۶ ساعت از وقتشان را در روز به خواندن کتاب اختصاص می‌دهند.

جدول ۵. توزیع پاسخگویان بر حسب میزان استفاده از رسانه‌های جمعی

میزان استفاده از رسانه‌های جمعی								رسانه‌های جمعی
درصد				فراوانی				
درصد کل	بیش از ۶ ساعت	۴-۶ ساعت	۰-۳ ساعت	تعداد کل	بیش از ۶ ساعت	۴-۶ ساعت	۰-۳ ساعت	
۱۰۰	۷/۵	۲۵/۲	۶۷/۲	۴۰۰	۳۰	۱۰۱	۲۶۹	تلویزیون
۱۰۰	۵/۲	۶/۵	۸۸/۲	۴۰۰	۲۱	۲۶	۳۵۳	ماهواره
۱۰۰	۰/۲	۲/۸	۹۷	۴۰۰	۱	۱۱	۳۸۸	رادیو
۱۰۰	۵/۵	۹/۵	۸۵	۴۰۰	۲۲	۳۸	۳۴۰	اینترنت
۱۰۰	۱	۲	۹۷	۴۰۰	۴	۸	۳۸۸	روزنامه و مجله
۱۰۰	۳/۵	۱۱	۸۵/۵	۴۰۰	۱۴	۴۴	۳۴۲	کتاب

## ۲-۶. یافته‌های استنباطی

جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که بین جامعه‌پذیری در خانواده و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معکوس و متوسط ( $-۰/۳۹۷$ ) وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه افراد با عقاید و ارزش‌های خانواده هم‌نوا تر باشند میزان گرایش به قانون‌گریزی کمتر است و با توجه به سطح معناداری ( $۰/۰۰۰$ ) می‌توان گفت که رابطه معنادار است، پس فرضیه تأیید می‌شود. با توجه به جدول شماره ۶، بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی (به‌طور کلی) و گرایش به قانون‌گریزی رابطه مستقیم ( $۰/۱۳۳$ ) و معناداری ( $۰/۰۰۸$ ) وجود دارد. بدین معنی که با افزایش میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، میزان گرایش به قانون‌گریزی بیشتر می‌شود. اما بررسی تأثیر هر کدام از رسانه‌ها به تنهایی بر میزان گرایش به قانون‌گریزی نشان می‌دهد که بین میزان استفاده از تلویزیون و روزنامه و مجله (رسانه‌های داخلی) و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. بین میزان استفاده از ماهواره و اینترنت و گرایش به قانون‌گریزی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. بین میزان استفاده از رادیو و کتاب و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود ندارد.

- بین میزان استفاده از تلویزیون و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معکوس ( $-۰/۱۷۱$ ) وجود دارد، به عبارتی هر چه میزان استفاده از تلویزیون بیشتر باشد، میزان گرایش به قانون‌گریزی کمتر است. با توجه به سطح معناداری این رابطه ( $۰/۰۰۱$ ) می‌توان گفت که رابطه معنادار است.



بررسی رابطه عوامل جامعه‌پذیری (خانواده و رسانه‌های جمعی) و میزان گرایش به قانون‌گریزی ۵۷

- بین میزان استفاده از ماهواره و گرایش به قانون‌گریزی رابطه مستقیم و تقریباً متوسطی (۰/۲۸۰) وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه میزان استفاده از ماهواره بیشتر باشد، میزان گرایش به قانون‌گریزی بیشتر است. با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰) می‌توان گفت که رابطه معنادار است.

- بین میزان استفاده از اینترنت و گرایش به قانون‌گریزی رابطه مستقیم و ضعیفی (۰/۱۷۴) وجود دارد. هرچه میزان استفاده از اینترنت بیشتر باشد، میزان گرایش به قانون‌گریزی بیشتر است. با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰) می‌توان گفت که رابطه معنادار است.

- بین میزان استفاده از روزنامه و مجله و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معکوس و ضعیفی (۰/۱۳۰-) وجود دارد. هرچه میزان استفاده از روزنامه و مجله بیشتر باشد، میزان گرایش به قانون‌گریزی کمتر است. با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۹) می‌توان گفت که رابطه معنادار است.

با توجه به جدول شماره ۶ می‌توان گفت که بین سن و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معکوس و خیلی ضعیفی وجود دارد، اما با توجه به سطح معناداری آن (۰/۰۷۷) می‌توان نتیجه گرفت که این رابطه معنادار نیست. بنابراین رابطه معناداری فرضیه مزبور رد می‌شود.

جدول ۶. ضریب همبستگی پیرسون بین برخی متغیرهای مستقل و گرایش به قانون‌گریزی

متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد پاسخگو
میزان جامعه‌پذیری در خانواده	-۰/۳۹۷	۰/۰۰۰	۴۰۰
رسانه‌ها (به‌طور کلی)	۰/۱۳۳	۰/۰۰۸	۴۰۰
تلویزیون	-۰/۱۷۱	۰/۰۰۱	۴۰۰
ماهواره	۰/۲۸۰	۰/۰۰۰	۴۰۰
رادیو	-۰/۰۰۹	۰/۸۶۶	۴۰۰
اینترنت	۰/۱۷۴	۰/۰۰۰	۴۰۰
روزنامه و مجله	-۰/۱۳۰	۰/۰۰۹	۴۰۰
کتاب	-۰/۰۵۱	۰/۳۰۹	۴۰۰
سن	-۰/۰۸۹	۰/۰۷۷	۴۰۰

مطابق با جدول شماره ۷، نتایج آزمون  $t$  ( $t=۳/۱۶$  و  $sig=۰/۰۰۲$ ) نشان می‌دهد که بین میانگین گرایش به قانون‌گریزی دو گروه مردان و زنان پاسخگو (۲۸/۲۴ = مردان و ۲۵/۱۴

= زنان) تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، گرایش مردان به قانون‌گریزی بیشتر از زنان است. با توجه به سطح معناداری، این فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

جدول ۷. آزمون t مستقل جهت بررسی تفاوت میان میزان گرایش زنان و مردان به قانون‌گریزی

Sig	df	t	انحراف معیار	میانگین	تعداد (نفر)	جنسیت
.۰/۰۰۲	۲۹۸/۶	۳/۱۶	۱۰/۳۰	۲۸/۲۴	۲۷۱	مرد
			۸/۵۵	۲۵/۱۴	۱۲۹	زن

جدول شماره ۸، نشان می‌دهد که با توجه به نتایج آزمون t ( $t = ۴/۳۱$  و  $Sig = ۰/۰۰۰$ ) تفاوت بین میانگین گروه مجرد (۲۸/۵۴) و گروه متأهل (۲۴/۱۰) معنادار است. به عبارتی، گرایش افراد مجرد به قانون‌گریزی از افراد متأهل بیشتر است. با توجه به معنادار بودن رابطه، فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

جدول ۸. آزمون t مستقل جهت بررسی تفاوت میان میزان گرایش به قانون‌گریزی با توجه به وضعیت تأهل

Sig	df	t	انحراف معیار	میانگین	تعداد (نفر)	وضعیت تأهل
.۰/۰۰۰	۲۳۳	۴/۳۱	۹/۸۸	۲۸/۵۴	۲۸۳	مجرد
			۹/۱۴	۲۴/۱۰	۱۱۷	متأهل

### ۱-۲-۶. تحلیل رگرسیون چند متغیره

برای ارزیابی میزان تأثیر همه متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته، از تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان‌دهنده آن است که عوامل جامعه‌پذیری (شامل خانواده، میزان استفاده از ماهواره، میزان استفاده از اینترنت و میزان استفاده از تلویزیون) وارد معادله شده‌اند. نتایج رگرسیون در جداول ۹ آمده است.

مرحله ۱: بر اساس جدول شماره ۹، اولین متغیر پیش‌بینی‌کننده گرایش به قانون‌گریزی که وارد معادله شده، متغیر خانواده است که ۱۵/۵ درصد از واریانس متغیر گرایش به قانون‌گریزی را تبیین می‌کند. ضریب بتای این متغیر (۰/۳۹۷-) نشان می‌دهد: به ازای یک واحد افزایش در میزان جامعه‌پذیری در خانواده، به میزان ۰/۳۹۷ گرایش به

1. Stepwise

قانون‌گریزی کاهش می‌یابد.

مرحله ۲: در مرحله دوم، متغیر میزان استفاده از ماهواره وارد معادله رگرسیونی می‌شود و ۱۸ درصد از متغیر وابسته تبیین می‌شود. با ورود این متغیر، حدود ۳ درصد به قدرت پیش‌بینی مدل افزوده می‌شود. ضریب بتای این متغیر (۰/۱۷۴) نشان می‌دهد: به ازای یک واحد افزایش در میزان استفاده از ماهواره، به میزان ۰/۱۷۴ گرایش به قانون‌گریزی افزایش می‌یابد.

مرحله ۳: در مرحله سوم، متغیر میزان استفاده از اینترنت وارد معادله رگرسیونی می‌شود و حدود ۲۱ درصد از متغیر وابسته تبیین می‌شود. با ورود این متغیر، حدود ۳ درصد به قدرت پیش‌بینی مدل افزوده می‌شود. ضریب بتای این متغیر (۰/۱۵۸) نشان می‌دهد: به ازای یک واحد افزایش در میزان استفاده از اینترنت، به میزان ۰/۱۵۸ گرایش به قانون‌گریزی افزایش می‌یابد.

مرحله ۴: در مرحله چهارم، متغیر میزان استفاده از تلویزیون وارد معادله رگرسیونی می‌شود و حدود ۲۲ درصد از متغیر وابسته تبیین می‌شود. با ورود این متغیر، حدود ۱ درصد به قدرت پیش‌بینی مدل افزوده می‌شود. ضریب بتای این متغیر (۰/۱۱۹-) نشان می‌دهد: به ازای یک واحد افزایش در میزان استفاده از تلویزیون، به میزان ۰/۱۱۹ گرایش به قانون‌گریزی کاهش می‌یابد. در مجموع، این چهار متغیر حدود ۲۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. آزمون هم‌خطی که ضرایب آن در ستون‌های پایانی سمت راست جدول زیر آمده است، نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیونی از هم خطی برخوردار نیستند. ضریب تولرانس هرچه به سمت ۱ نزدیک شود، نشان‌دهنده کمترین میزان هم‌خطی و هرچه به سمت صفر نزدیک شود نشان‌دهنده بالاترین میزان هم‌خطی بین متغیرهای مستقل است.

جدول ۹. تحلیل رگرسیون چند متغیره با استفاده از روش گام به گام

مراحل	متغیرهای پیش‌بینی	R	R <sup>2adj</sup>	B	β	T	Sig. T	آزمون هم‌خطی	
								ضریب ضریب	تولرانس VIF
۱	جامعه‌پذیری در خانواده	۰/۳۹۷	۰/۱۵۵	-۱/۱۵۳	-۰/۳۹۷	-۸/۵۸۲	۰/۰۰۰	۰/۹۷۴	۱/۰۲۶
۲	ماهواره	۰/۴۳۳	۰/۱۸۳	۰/۶۵۹	۰/۱۷۴	۳/۷۶۵	۰/۰۰۰	۰/۹۷۳	۱/۰۲۸
۳	اینترنت	۰/۴۶۰	۰/۲۰۶	۰/۶۰۳	۰/۱۵۸	۳/۵۱۲	۰/۰۰۳	۰/۹۷۸	۱/۰۲۳
۴	تلویزیون	۰/۴۷۵	۰/۲۱۸	-۰/۵۱۹	-۰/۱۱۹	-۲/۶۶۲	۰/۰۰۸	۰/۹۳۲	۱/۰۷۳
		F=۲۸/۶۹۶		Sig = ۰/۰۰۰					

## ۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بررسی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد: بین میزان جامعه‌پذیری در خانواده و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. هر چه افراد با عقاید و ارزش‌های خانواده هم‌نوا تر باشند، میزان گرایش به قانون‌گریزی کمتر است. نتیجه این فرضیه با نتایج به دست آمده از تحقیقات پیشین، از جمله مطالعه رجایی (۱۳۸۱) و میرفردی و همکاران (۱۳۹۱) همخوانی دارد.

خانواده به‌عنوان نخستین مکان اجتماعی شدن، همواره تأثیری ژرف بر فرد داشته است. ویژگی شخصی و اجتماعی هر فرد در متن خانواده شکل می‌گیرد. نهاد خانواده نخستین منبع یادگیری اجتماعی فرد است. هنگامی که والدین به یک ارزش و هنجار اجتماعی پایبند باشند و آنها را در رفتار و اعمال خود به کار گیرند، فرزندان آن خانواده هم با آن ارزش‌ها و هنجارها آشنا شده و آن را در زندگی و رفتارهای خود به کار می‌گیرند.

همچنین نتایج نشان می‌دهند که بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد. نتیجه این فرضیه با نتایج به دست آمده از تحقیقات پیشین، از جمله مطالعه رجایی (۱۳۸۱) و حبیب‌زاده و قاسمی (۱۳۸۸) همخوانی دارد. بررسی رابطه بین هر یک از رسانه‌های جمعی از جمله تلویزیون، ماهواره، رادیو، اینترنت، روزنامه و مجله و کتاب با گرایش به قانون‌گریزی نشان می‌دهد که بین میزان استفاده از تلویزیون، ماهواره، اینترنت و روزنامه و مجله و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد؛ اما بین میزان استفاده از رادیو و کتاب و گرایش به قانون‌گریزی

رابطه معناداری وجود ندارد. معمولاً تصویر بیش از نوشته یا سخن انسان را متأثر می‌سازد. به دلیل داشتن جذابیت‌های خاص رسانه‌های تصویری (تلویزیون، ماهواره و اینترنت)، افراد ساعت‌ها از وقت خود را صرف تماشای برنامه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای می‌کنند و در مقابل وقت کمتری را به رسانه‌های صوتی و خواندن کتاب اختصاص می‌دهند. در این مطالعه نیز میزان استفاده از رادیو و حتی میزان مطالعه کتاب و مجله، خیلی کم بوده و شاید معنادار نبودن ارتباط معناداری استفاده از این رسانه‌ها و متغیر وابسته تا حد زیادی ناشی از استفاده کم از آنها باشد؛ به گونه‌ای که نوعی همگونی در میزان استفاده کم و یا استفاده نکردن از این رسانه‌ها وجود دارد. بر اساس یافته‌های پژوهش، بین میزان استفاده از تلویزیون، روزنامه و مجله و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. از آنجا که این دو رسانه جمعی جزء رسانه‌های داخلی و درون‌مرزی هستند که با شبکه‌های محدود و با نظارت مشخصی در پردازش مطالب متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی جامعه می‌پردازند، بنابراین از طریق تبیین قانون و مقررات می‌کوشند تا رفتارهای افراد را در مسیر هنجارهای تعریف شده جامعه، هدایت کنند.

بین میزان استفاده از ماهواره و اینترنت و گرایش به قانون‌گریزی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. این دو رسانه جمعی به‌عنوان رسانه‌های جهانی و برون‌مرزی محسوب می‌شوند که از فراوانی بسیاری برخوردارند و لزوماً این شبکه‌ها متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در گستره ملی نیستند، به گونه‌ای که کاربران با سلیقه‌های گوناگون استفاده خاص خود را از آن به عمل می‌آورند. ورود برنامه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی در جهان در حال توسعه، باعث پذیرش افکار جدید و روش‌های گوناگون بهنجار و نابهنجار زندگی در بین افراد جامعه می‌شوند و همین باعث می‌شود برخی از افراد - متناسب با نوع بهره‌گیری خود - از عمل به بسیاری از قواعد و هنجارهای جامعه خود سر باز زنند و به تقلید فرهنگ‌های بیگانه پرداخته و در پی عمل به روش‌های زندگی جدید باشند که برخی از آنها باعث رواج قانون‌گریزی در جامعه می‌شود. اینترنت و ماهواره دارای تنوع موضوعی و ارزشی هستند و چه بسا برخی از آنها با ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده جامعه ایرانی در تعارض باشند، بنابراین میزان استفاده زیاد از برنامه‌های آنها، به‌ویژه استفاده از آن دسته از برنامه‌هایی که سرگرمی و تفریح را فارغ از بعد ارزشی در دستور کار خود دارند، می‌تواند زمینه سوق برخی از کاربران به رفتارهای نابهنجار را فراهم

سازد.

رسانه‌های درون‌مرزی هر کشور، اصول، قواعد و ارزش‌های ویژه حاکم بر آن جامعه و کشور را تبلیغ، تأیید و تشریح می‌کنند. از این رو، برنامه‌های این گونه رسانه‌ها بیشتر برای حفظ نظم موجود و ایجاد تغییراتی در راستای حفظ منافع طبقات حاکم و مسلط ارائه می‌شوند؛ اما این امر در مواجهه با رسانه‌های برون‌مرزی و بین‌المللی رنگ می‌بازد. به جای اصول، قواعد و ارزش‌های خاص یک نظام سیاسی با دنیایی از اطلاعات، ایده‌ها، ارزش‌ها و قواعد مواجه می‌شود، اصول و ارزش‌هایی که بعضاً در مقابل و در تضاد با ارزش‌های آن کشور است.

در این پژوهش، بسته به میزان استفاده از هر یک از رسانه‌های جمعی، میزان گرایش به قانون‌گریزی در میان افراد متفاوت بوده است، این وضعیت نشان‌دهنده تفاوت جهت‌گیری در رسانه‌های جمعی و همچنین نوع استفاده از رسانه‌های جمعی در میان کاربران این رسانه‌ها است.

نتایج مطالعه نشان داد: بین میزان گرایش افراد مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود دارد. به بیان دیگر، افراد مجرد نسبت به افراد متأهل، گرایش بیشتری به قانون‌گریزی دارند. وابستگی و تعلقات خانوادگی در بسیاری از مواقع، متأهل‌ها را از انجام کارهای غیرقانونی بازمی‌دارد و مجردها به دلیل نداشتن مسئولیت خانوادگی، بیشتر به سوی انحرافات گرایش دارند. همچنین تحقیقات آماری نشان می‌دهد که بعد از ازدواج، از میزان ارتکاب جرم در بین افراد کاسته شده است.

بین زنان و مردان در میزان گرایش به قانون‌گریزی تفاوت معناداری وجود دارد، بدین معنی که مردان نسبت به زنان گرایش بیشتری به قانون‌گریزی دارند. نتیجه این فرضیه با نتیجه تحقیق شایگان (۱۳۸۹) همخوانی دارد. آداب و رسوم و شیوه‌های قومی جامعه مورد مطالعه، که در آن رفتارهای مبتنی بر حجب و حیای اجتماعی و اخلاقی را از زنان انتظار دارند، تا حدود زیادی برون‌دادهای رفتاری متفاوتی بین زنان و مردان را در پی دارد، البته این وضعیت در گستره ملی جامعه ایرانی نیز وجود دارد. این نوع انتظارات، از آغاز و از طریق فرایند جامعه‌پذیری غیررسمی و به‌ویژه در خانواده و همچنین تاحدودی جامعه‌پذیری رسمی در جامعه نهادینه می‌شود. جامعه‌پذیری فرایندی پایان‌ناپذیر است که در تمام دوران زندگی فرد ادامه دارد و در هر برهه‌ای از زندگی فرد این فرایند توسط

عوامل مختلف جامعه‌پذیری مورد دخل و تصرف قرار می‌گیرد و در مواردی تثبیت شده و تغییر می‌کند.

بر اساس این پژوهش، نهاد خانواده و رسانه‌های جمعی هر دو از عوامل مؤثر در گرایش افراد به قانون‌گریزی هستند. اما شدت رابطه بین جامعه‌پذیری در خانواده و گرایش به قانون‌گریزی (۰/۴۰-) بیشتر از شدت رابطه بین جامعه‌پذیری از طریق رسانه‌های جمعی و گرایش به قانون‌گریزی (۰/۱۳) است، این امر نشان‌دهنده مؤثرتر بودن نهاد خانواده در جامعه‌پذیری و انتقال درست ارزش‌ها و هنجارهای جامعه به افراد است. با اینکه در جهان امروز گسترش شدید رسانه‌های جمعی، رشد و آموزش افراد را تحت تأثیر قرار داده‌اند، اما بعضی از حساس‌ترین نقش‌ها از جمله نخستین مراحل اجتماعی شدن افراد، هنوز بر عهده خانواده است. خانواده عامل عمده توسعه شخصیت، القای ارزش‌های بنیادی و همچنین سرچشمه اصلی عواطف بشری، راهنمایی‌ها و تشویق‌های لازم در زمینه یادگیری قوانین و بسیاری دیگر از آموختنی‌ها است. این نتیجه، تا حد زیادی نیز به ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد مطالعه برمی‌گردد که با وجود در حال‌گذار بودن، خانواده نقش برجسته‌تری را نسبت به سایر عوامل جامعه‌پذیری همچون رسانه‌های جمعی در شکل‌گیری گرایش‌ها و اولویت‌های ارزشی و رفتاری افراد ایفا می‌کند. میزان نسبتاً بالای برخی از جرائم همچون تخلفات ترافیکی و یا دخالت دادن تعصبات خویشاوندی و محلی در نزاع‌ها و اختلافات که در بیان مسئله بدان اشاره شد، یکی از واقعیت‌های موجود در جامعه مورد مطالعه است که ممکن است در نگاه نزدیک، با نتایج به دست آمده در مورد گرایش به قانون‌گریزی همخوانی نداشته باشد. با توجه به اینکه حدود نیمی از پاسخگویان در حد متوسط و بالا، به قانون‌گریزی گرایش داشته‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که گرایش ابراز شده در مورد قانون‌گریزی با واقعیت رفتارهای اجتماعی در مورد برخی از هنجارگریزی‌ها (تخلفات ترافیکی و...) در جامعه مورد مطالعه هم‌خوانی دارد. یادآوری می‌شود که برخی از جرائم که در سالیان اخیر، از افزایش قابل توجهی در کشور برخوردار بوده‌اند (همچون جرائم اخلاقی و یا توزیع و مصرف مواد مخدر صنعتی و روانگردان‌ها)، در جامعه مورد مطالعه در حد کمتر از بسیاری از مناطق کشور است.

اگر چه فرایند جامعه‌پذیری در دوره‌های بعدی زندگی فرد می‌تواند تحت تأثیر سایر عوامل اجتماعی‌کننده مورد جرح و تعدیل قرار گیرد، با وجود آموزه‌هایی که از آغاز

دوران زندگی به فرد منتقل شده‌اند، به آسانی از بعد نگرشی و رفتاری فرد زدوده نمی‌شوند.

ارزش‌ها و هنجارهایی که از طریق نهاد خانواده به افراد ارائه می‌شود، به میزان بالایی درونی می‌شوند. تأثیر کمتر رسانه‌های جمعی در جامعه‌پذیری و شکل‌گیری گرایش‌های مطلوب قانون‌گرایانه در جامعه مورد مطالعه را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که در این شهر به علت قدمت کم شهرنشینی، سنت‌گرایی و حفظ ارزش‌های سنتی، گرایش کمی به رسانه‌های جمعی وجود دارد و افراد بیشتر در چارچوب قوانین سنتی رشد می‌یابند و هنوز رسانه‌ها یا نتوانسته‌اند نقش خود را به‌عنوان یکی از عوامل مهم در جامعه‌پذیری افراد به‌طور کامل ایفا کنند و یا اینکه به دلیل رشد جهشی زندگی شهری، نوعی بهره‌گیری آسیب‌شناسانه از رسانه‌های جمعی همچون اینترنت و ماهواره وجود دارد، گو اینکه میزان استفاده از برخی رسانه‌ها چون نشریات و همچنین رادیو خیلی کم بوده است.

مرور نتایج به دست آمده از این پژوهش، از یک سو، نشانگر همخوانی با نظریه‌های به‌کارگرفته شده در چارچوب نظری در مورد نقش عوامل جامعه‌پذیری، به‌ویژه خانواده، در هماهنگ‌سازی افراد جامعه با ارزش‌های مطلوب اجتماعی است. ولی از سوی دیگر، نتایج به دست آمده در مورد رابطه استفاده از رسانه‌های جمعی با میزان گرایش به قانون‌گریزی، نشانگر عدم همخوانی با نظریه‌های جامعه‌پذیری است که انتظار دارند بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی به‌هم‌اتر شدن افراد با ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب جامعه بینجامد. این تفاوت و ناهمخوانی در پیوند با شرایط نیمه‌سنتی / نیمه مدرن جامعه مورد مطالعه قابل تحلیل است که هنوز رسانه‌های جمعی به‌ویژه رسانه‌های نوینی چون اینترنت و ماهواره جایگاه خود را برای نهادینه‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب اجتماعی در بین کاربران محلی پیدا نکرده‌اند.

با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهادهای زیر را می‌توان ارائه کرد:

- با توجه به میزان قابل توجه قانون‌گریزی در جامعه مورد مطالعه، آگاهی‌دادن به افراد در رابطه با یک مسئله، گامی مهم در حل مسئله است، از این رو آگاهی‌دادن به شهروندان در این رابطه که قانون‌گریزی یکی از مهم‌ترین موانع کنونی توسعه استان بوده و مشارکت دادن آنها در کاهش این مسئله ضروری است.
- با توجه به نتایج تحقیق، توانمندسازی خانواده‌ها برای انتقال آموزه‌های شهروندی



بررسی رابطه عوامل جامعه‌پذیری (خانواده و رسانه‌های جمعی) و میزان گرایش به قانون‌گریزی ۶۵

و قانون‌گرایی به فرزندان پیشنهاد می‌شود. در این راستا، آموزش و تعلیم قوانین به خانواده‌ها به‌عنوان مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری از طریق رسانه‌های جمعی و برگزاری جلسات محله‌ای و برنامه‌های اجتماع - محور پیشنهاد می‌شود.

- با توجه به رابطه معکوس بین میزان استفاده از تلویزیون و میزان گرایش به قانون‌گریزی، افزایش کمی و کیفی برنامه‌های تلویزیونی در مورد فرهنگ شهروندی، قوانین و پیامد آن برای پیشبرد نظم در جامعه ضروری است.

- فرهنگ‌سازی در جهت استفاده صحیح از رسانه‌های نوین (اینترنت و ماهواره) و استفاده از آنها در راستای رسیدن به توسعه علمی و صنعتی؛ با توجه به گسترش گریزناپذیر این دسته از رسانه‌ها، بهره‌گیری از آنها با مدیریت و جهت‌دهی فرهنگی و اجتماعی برای تقویت فرهنگ شهروندی پیشنهاد می‌شود.

- توسعه نهادهای فرهنگی در سطح استان به‌ویژه سینما، پارک‌های علمی - تفریحی، کتابخانه و فرهنگسرا به منظور افزایش آگاهی شهروندان از قوانین و پیامدهای مثبت قانون‌پذیری و افزایش علاقه‌مندی آنها به رعایت قوانین و مقررات.

- ایجاد هماهنگی و تعادل مناسب بین اهداف و برنامه‌ریزی‌های عوامل اجتماعی‌کننده، از جمله خانواده، آموزش و پرورش و رسانه‌های جمعی توسط مسئولان.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. احمدی، حبیب (۱۳۷۷). نظریه‌های انحرافات اجتماعی، شیراز: انتشارات زر.
۲. احمدی، حبیب (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: انتشارات سمت.
۳. بیرو، آلن (۱۳۸۰). فرهنگ علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان.
۴. توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۶). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات سمت.
۵. حبیب‌زاده ملکی، اصحاب و محمد قاسمی (۱۳۸۸). «رابطه بین استفاده از رسانه‌های صوتی - تصویری و بزهکاری نوجوانان»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال شانزدهم، شماره ۲ (پیاپی ۵۸)، تابستان: ۹۵-۱۲۰.
۶. حبیب‌زاده، اصحاب و همکاران (۱۳۸۸). «بررسی نقش دو گانه رسانه‌های جمعی در پیشگیری و وقوع جرائم»، فصلنامه علمی - پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول، شماره دوم، تابستان: ۱۴۲-۱۰۷.
۷. رجایی، علیرضا (۱۳۸۱). «نقش خانواده، مدرسه، همسالان و رسانه‌های گروهی در رفتارهای انحرافی نوجوانان پسر»، مجله دانش و پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، شماره یازدهم، بهار و تابستان ۱۳۸۱: ۷۴-۴۵.
۸. رضایی، محمد (۱۳۸۴). «میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۳: ۶۹-۴۷.
۹. ستوده، هدایت الله (۱۳۷۸). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: آوای نور.
۱۰. سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی کجروی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. شایگان، فریا (۱۳۸۹). «رسانه و آموزش جرم»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴: ۱۱۶-۹۱.
۱۲. علی‌بابایی، یحیی و علی فیروزجائیان (۱۳۸۸). «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی»، فصلنامه دانش انتظامی، سال یازدهم، شماره چهارم: ۷-۵۸.
۱۳. فخرائی، سیروس (۱۳۷۸). «بررسی میزان قانون‌پذیری و عوامل مؤثر بر آن در شهر تبریز»، مجله پیک نور، سال پنجم، شماره اول: ۱۲۲-۱۱۱.
۱۴. کاظمی، نصرت (۱۳۷۵). «یادگیری و مسئولیت‌پذیری»، فصلنامه‌ی تربیت، سال اول، شماره سوم: ۱۰۷-۱۰۴.
۱۵. کلاتری، صمد و همکاران (۱۳۸۴). «ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸: ۹۰-۶۵.
۱۶. گیل، دیوید و آدامز بریجیت (۱۳۸۴). الفبای ارتباطات. ترجمه‌ی رامین کریمیان و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ای.
۱۷. معین، محمد (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۸. مک کوایل، دنیس (۱۳۸۵). نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجلالی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه سازمان‌ها.

بررسی رابطه عوامل جامعه‌پذیری (خانواده و رسانه‌های جمعی) و میزان گرایش به قانون‌گریزی ۶۷

۱۹. میرفردی، اصغر (۱۳۹۰). بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر تعدی به مأمورین انتظامی در استان کهگیلویه و بویراحمد. یاسوج: دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد.

۲۰. میرفردی، اصغر، سیروس احمدی و راضیه امیری (۱۳۹۲). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و آگاهی ترافیکی با نظم‌گریزی عابران پیاده (مورد مطالعه شهر یاسوج)»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال دوم، شماره ۲ (پیاپی ۶)، پاییز و زمستان: ۲۵-۴۰.

۲۱. میرفردی، اصغر، سیروس احمدی و زهرا نیکخواه (۱۳۹۰). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به نندالیسم (خرابکاری) در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر یاسوج»، مجله فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، (علمی - پژوهشی)، سال بیست و سوم، شماره ۳ (پیاپی ۴۷)، پاییز: ۱۸۵-۲۰۶.

#### (ب) منابع لاتین

1. Halloran, James (1970). Television and Delinquency, London: Leister university .
2. Jewkes, Yvonne (2004). Media & Crim, Key Approaches to Criminology, Sage Publications .